

بررسی نشانه‌شناسانه ارتباط میان بازنمایی مدیران دولتی در سینما و گفتمان مدیریتی حاکم بر کشور در دوره ساخت فیلم

سید مهدی میرحاجی^۱

۱. کارشناس ارشد مدیریت رسانه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دریافت: (۱۳۹۵/۶/۱۶) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۵/۱۰/۴)

Semiotic Study of Relationship between Representation of Government Managers in Cinema and Management Discourse of Iran in the Course of Making the Film

Sayed Mahdi Mirhaji¹

1. Master of Media Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Received: (6/Sep/2016) Accepted: (22/Dec/2016)

Abstract

The question of an ideological advantage in any text representations, the most important issue that should be studied the representations to understand it. According to some experts, Phenomena represented by the media, ideological bias and weaken or strengthen a Specific discourse. This paper examines this relationship between the state and the cinema in Iran. The main research question is that what is the effect of moving the Iranian government in the representation of managers in the movies? The method used for this study, qualitative semiotic analysis. By this method four bestseller movies based on the two known pattern of semiotics were studied from four different Iranian government and Semiotic components that filmmakers have employed to represent the role of manager were extracted And is used for the final analysis. results show While cinema in the fifth and sixth states due to the lack of political were more successful In representation of the implications of organizational behavior, interaction with staff and educational issues; movies in the seventh and eighth states most political, compared to other courses. And also managers in the ninth and tenth states movies are more harmonious with the government. These differences indicates that discourse of the country affects the Iranian cinema.

Keywords

Semiotic, Representation, Discourse, Movies, The Government of the Islamic Republic of Iran.

چکیده

به عقیده برخی از صاحب‌نظران، بازنمایی پدیده‌ها از طریق رسانه‌ها، دارای سوگیری ایدئولوژیک است و درخصوص تضعیف یا تثبیت گفتمان ویژه‌ای گام برمی‌دارد. در همین خصوص این مقاله کوشیده وجود این رابطه را بین دولت و سینما در جمهوری اسلامی ایران بررسی کند. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که جابجایی دولت‌ها در ایران چه تأثیری بر بازنمایی مدیران در فیلم‌های سینمایی داشته است؟ روش به‌کار رفته برای این مطالعه، تحلیل کیفی نشانه‌شناختی است. با به‌کارگیری این روش، چهار فیلم سینمایی پرفروش از چهار دولت مختلف جمهوری اسلامی ایران، براساس دو الگوی شناخته شده نشانه‌شناسی، بررسی و مؤلفه‌های نشانه‌شناسانه و رمزگانی که فیلم‌سازان برای براساخت سینمایی از نقش مدیر به‌کار رفته‌اند. استخراج و برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که سینمای دوره سازندگی به‌دلیل سیاسی‌نبودن، بیشتر توانسته دلالت‌های حوزه رفتار سازمانی، تعامل با کارکنان و مسائل تربیتی را پوشش دهد، سینمای دوره موسوم به اصلاح‌طلبی، به دیگر دوره‌ها سینمایی سیاسی-تر و دغدغه‌مندتر به مسائل حکومتی است، و همچنین در فیلم‌های گفتمان مدیریتی حاکم بر کشور متأثر است. دوره عدالت‌طلبی، مدیران نسبت به دیگر دوره‌ها بیشتر از درون حکومت و همسو با نظام هستند. وجوه افتراق فوق نشان می‌دهد سینمای ایران نیز از پرسش از کارکرد ایدئولوژیک بازنمایی‌ها در هر متنی، مهم‌ترین مسئله‌ای است که برای درک آن باید به بررسی بازنمایی‌ها پرداخت.

واژه‌های کلیدی

نشانه‌شناسی، بازنمایی، گفتمان، فیلم‌های سینمایی، دولت‌های جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

بسیاری از نظریه‌پردازان و اندیشمندان، مدیریت را مهم‌ترین رکن تحول و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی جوامع دانسته و بر این اساس، برای رشد و توسعه آن، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی کرده‌اند. در میان تحقیقات حوزه‌های مختلف مرتبط با مقوله مدیریت، تحقیقات رسانه‌ای، به جهت ارتباط تنگاتنگ رسانه‌ها با فرهنگ‌سازی، از جایگاه حائز اهمیت برخوردارند.

حضور رسانه‌ها چنان در زندگی روزمره عصر ما تثبیت شده که آنها به یکی از عناصر تفکیک‌ناپذیر بافت فرهنگی تبدیل شده‌اند. مسائل و مباحث مربوط به معرفت، هویت، ذوق و سلیقه و سبک زندگی که جزو خصوصیات معرفت فرهنگ هستند، بدون استثنا به دست افراد و از طریق مصرف متون و تصاویر رسانه‌ها مفهوم‌پردازی و عملیاتی شده‌اند (استیونسون^۱، ۱۹۹۵: ۴۵). در همین خصوص نظریه‌پردازان، تحلیل‌های خود درباره مفهوم‌پردازی رسانه‌ها در زندگی و فرهنگ جوامع را در چهارچوب «نظریه بازنمایی»^۲ صورت‌بندی کرده‌اند. نظریه‌های جدید بازنمایی از دیدگاه‌های فوکو^۳ الهام می‌گیرد. در این رویکرد، بازنمایی‌های رسانه‌ای با «مناسبات متحول‌شونده قدرت» (استوری^۴، ۱۳۸۶: ۲۴) پیوند می‌خورد.

در این مقاله با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی که در زمره روش‌های کیفی پژوهش است. نحوه بازنمایی مدیران در چهار فیلم سینمایی متعلق به چهار دولت مختلف جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است. تحلیل کیفی بر قرائت و تفسیر پژوهشگر از متون رسانه‌ای متمرکز است و این تمرکز عمیق و زمان‌بر یکی از دلایلی است که تحلیل‌های کیفی، نمونه‌های کوچک و محدود از متون رسانه‌ای را انتخاب می‌کنند (مه‌دیزاده، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

بیان مسأله

روی کار آمدن هر دولتی به معنای حاکم شدن مبانی نظری و فکری خاص دولت‌مردان به قدرت رسیده در ساختار اجرایی یک کشور است. در چنین شرایطی باید پذیرفت همین مبانی نظری و فکری است که رویکردها و اولویت‌های یک دولت را مشخص می‌سازد و مرزهای گفتمانی خاص آن دولت را ترسیم می‌نماید. مظاهر مختلفی برای فهم و شناخت گفتمان

دولت‌ها - به‌عنوان یکی از شئون قدرت - وجود دارد که یکی از آنها محصولات فرهنگی - رسانه‌ای و به‌طور خاص، «سینما» است. تولیدات سینمایی دوره حیات یک دولت، از گفتمان فرهنگی حاکم بر کشور در آن دوره است. البته باید تأکید کرد چنین ارتباطی هرگز به معنای همسویی آثار سینمایی با دولت حاکم نیست؛ بلکه گاه ضدیت غالب فیلم‌های یک دوره با یک پدیده را می‌توان شاهدی برای شناخت یک حیث از گفتمانی خاص دانست.

چهار صحنه از بازنمایی مدیران در چهار فیلم منتخب این مقاله از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند در دو مرحله انتخاب شده‌اند. صحنه‌های منتخب فیلم‌های مذکور که براساس آمار وزارت ارشاد، جزو پرفروش‌ترین فیلم‌های سینما در سال مورد بررسی هستند با استفاده از دو الگوی نشانه‌شناختی جان فیسک^۵ و رولان بارت^۶، تحلیل شده‌اند. با این بررسی، ضمن استخراج مؤلفه‌های نشانه‌شناسانه و رمزگانی که فیلم‌سازان برای برساخت سینمایی از نقش مدیر به کار می‌گیرند مشخص شده که آیا فیلم‌های سینمایی دوره‌های مختلف مدیریت کشور، از حیث بازنمایی مدیران تفاوتی با یکدیگر دارند یا خیر؟ و در صورت وجود این تفاوت، وجوه بارز آن شامل چه مواردی است؟

ضرورت پژوهش

در میان پژوهش‌های مرتبط با حوزه مدیران، «رفتار فرهنگی دولت‌ها» موضوعی است که کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است و به نظر می‌رسد یکی از منابع شناخت آن، فیلم‌های سینمایی مورد حمایت هر دولت است. به‌عبارت‌دیگر، یکی از راه‌های افزایش شناخت نسبت به مدیران دولتی - که متولی تعیین سبک و الگوی نظام مدیریتی کشور هستند - دقت در نحوه بازنمایی آنها در فیلم‌های تولید شده در آن دوره است. از سوی دیگر، با توجه به این‌که رفتار مدیران دولتی، بسیار مهم‌تر از ساختارهای دولتی، در اداره کشور تأثیر دارد؛ از طریق مطالعه بازنمایی آنها در فیلم‌های سینمایی هر دوره می‌توانیم به شناخت بهتری نسبت به نحوه رفتار این گروه از مدیران دست پیدا کنیم. بنابراین، مسئله تحقیق حاضر، بررسی «چگونگی» رفتار مدیران دولتی، از طریق بازنمایی آنها در فیلم‌های سینمایی است.

در پژوهش‌های حوزه بازنمایی سینمایی، موضوع بررسی

1. Stevenson
2. Representation Theory
3. Foucault
4. Storey

5. Fiske

6. Barthes

هال این سه رویکرد را تحت عناوین ذیل برمی‌شمارد:
الف) بازتابی: معنی در شیء، شخص، ایده یا رویداد موجود در جهان خارج نهفته است و زبان مانند آینه‌ای عمل می‌کند که معنی حقیقی را به همان صورت که در جهان خارج وجود دارد، بازتاب می‌دهد.

ب) ارادی: گوینده یا مؤلف، معنی خاص خود را از طریق زبان به جهان تحمیل می‌کند. واژه‌ها آن معنی را می‌دهند که مؤلف اراده می‌کند.

ج) برساخته: رویکرد سوم که تئوری بازنمایی رسانه‌ای وابستگی تامی به آن دارد ویژگی اجتماعی و همگانی زبان را به رسمیت می‌شناسد. این رویکرد تأیید می‌کند که نه چیزها به‌خودی‌خود، نه کاربران زبان نمی‌توانند در زبان، یک معنی پایدار ایجاد کنند. چیزها معنی نمی‌دهند، بلکه ما با استفاده از نظام‌ها - نشانه‌ها و مفاهیم - به صورت بازنمایانه، معنی را بر می‌سازیم. بازنمایی یک‌شکل از «کنش» و یک نوع «عمل» است که از اشیای مادی و آثار استفاده می‌کند. اما معنی نه به کیفیت مادی نشانه‌ها، بلکه به کارکرد نمادین آنها وابسته است؛ چراکه یک‌صدا یا واژه خاص به‌جای یک مفهوم می‌نشیند و آن را بازنمایی می‌کند. به همین دلیل است که این واژه یا صدا در زبان به‌عنوان نشانه حامل معنی عمل می‌کند یا آن‌طور که بر ساخت‌گرایان می‌گویند بر معنی دلالت می‌کند (هال، ۱۳۸۷: ۳۶۰ - ۳۵۶).

براساس مبانی نشانه‌شناسی، ارتباط تولیدکننده معنا است (فیسک، ۱۳۸۸: ۶۳)؛ به‌عبارت‌دیگر، کارکرد نشانه، انتقال اندیشه به‌وسیله پیام است (گیرو^۱، ۱۳۸۰: ۱۹). در این رویکرد، رویکرد، پیام چیزی نیست که از الف به ب فرستاده می‌شود بلکه عنصری است در رابطه‌ای ساختمان‌د که عناصر دیگری شامل «واقعیت خارجی» و «تولیدکننده / خواننده» را در برمی‌گیرد (فیسک، ۱۳۸۸: ۱۳) همچنین نظام‌هایی که نشانه‌ها در آن سازمان یافته‌اند «رمزها» هستند. رمز نظام معنایی مشترکی برای اعضای یک فرهنگ یا ساختار است.

گفتمان و بازنمایی

نظریه‌پردازان، نظریه بازنمایی را به لحاظ سطح تحلیل، به دو نوع «کلاسیک» و «جدید» تقسیم نموده‌اند. بر طبق نظریه کلاسیک بازنمایی، آثار هنری و فرهنگی هر جامعه‌ای بازتاب‌دهنده مسائل اجتماعی زمان خود هستند و همچون آینه

رابطه بین فیلم‌های سینمایی با فضای سیاسی دوره ساخت فیلم، تا حدودی مورد توجه پژوهشگران بوده است. به‌عنوان مثال، اجلالی (۱۳۷۴) در رساله دکتری خود تحت عنوان «جامعه‌شناسی فیلم‌های عامه‌پسند»، به این نتیجه می‌رسد که با وجود عدم طرح مسائل سیاسی، سینمای عامه‌پسند ایران تا اواخر دهه چهل، غالباً دارای نگرش محافظه‌کار بود و از نظام طبقاتی سیاسی و فرهنگی موجود دفاع می‌کرد. به‌عبارت‌دیگر، تلویحاً در خدمت حفظ و استمرار وضعیت موجود بود. همچنین حسینی زاد (۱۳۷۴) در رساله دکتری خود تحت عنوان «تحولات اجتماعی و سینمای ایران» با استفاده از مدل تحلیلی جامعه‌شناسی هواکو^۱ به بررسی تغییرات اجتماعی و شکل‌گیری ژانرها و موج‌های سینمایی در تاریخ سینمای ایران از آغاز پیدایش تا سال ۱۳۷۰ می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد که پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ و بعد از جنگ، سه گرایش عمده در نحوه فیلم‌سازی سینماگران ایرانی پدید آمد که هر سه، تبعات طبیعی تحولات درونی اجتماعی هستند. وی این سه گرایش را چنین می‌نامد: سینمای آرمان‌گرا که آرمان‌های متعلق به دوران سازندگی را دنبال می‌کند. گرایش دوم، سینمای به سبک فیلم‌های نئورئالیستی ایتالیا است که به‌نقد مسائل جامعه می‌پردازد. و بالاخره سینمای تجاری بر اساس مدل هالیوود که به لحاظ محتوایی باز تولید مدرن همان فیلم فارسی‌های قبل از انقلاب اسلامی است.

با مرور پژوهش‌های پیشین مشاهده می‌شود نگاه محوری در تحلیل تحولات سینمای ایران، پرداختن به زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری این تحولات است و تقریباً هیچ‌گاه به تفاوت‌های گفتمانی دولت‌ها به‌عنوان یکی از زمینه‌های تفاوت محصولات سینمایی ادوار مختلف نگاه نشده است و از این منظر، پژوهش حاضر را می‌توان دارای نوآوری دانست.

چارچوب نظری

بازنمایی رسانه‌ای

بازنمایی، تولید معنی برای معانی درون ذهن از طریق زبان است. بازنمایی حلقه پیوند میان مفاهیم و زبان است و ما را قادر می‌سازد تا جهان واقعی اشیاء، آدمیان و رویدادها را به جهان انگارشی^۲ اشیاء، آدمیان و رویدادهای تخیلی ارجاع دهیم (هال^۳، ۱۳۸۷: ۳۵۲).

سه رویکرد مطرح در زمینه بازنمایی وجود دارد که چگونگی عمل بازنمایی معنی از طریق زبان را تعیین می‌کند. استوارت

1. Hwacko
2. Imaginary
3. Stuart Hall

4. Guiraud

دوره معین (طبق قواعد دستوری و منطقی) به صورت درست گفت و آنچه در واقع گفته می‌شود» می‌داند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۵۱).

نظریه‌پردازان مطالعات فرهنگی، بازنمایی فرهنگی و رسانه‌ای را نه امری خنثی و بی‌طرف، که آمیخته با روابط و مناسبات قدرت برای تولید و اشاعه معانی مرجح در جامعه در راستای تداوم و تقویت نابرابری‌های اجتماعی تلقی (مهدیزاده، ۱۳۸۷: ۱۶) و بر همین اساس، بازنمایی را «ایدئولوژیک» تصور می‌کنند. نظریه‌های ایدئولوژیک تأکید می‌کنند که همه ارتباطات و همه معانی، جنبه اجتماعی - سیاسی دارند. نمی‌توان آنها را بیرون از زمینه اجتماعی فهمید. با این توضیحات، یکی از مسیرهای تفسیر بازنمایی‌های رسانه‌ای، از دریچه گفتمانی است که در دوره ساخت اثر، در رأس حاکمیت بوده است.

وجوه بارز گفتمانی در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران

برای مطالعه گفتمان جناح‌های سیاسی، سطوح مختلفی تعریف شده است. به‌عنوان مثال، ظریفی‌نیا در کتاب کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران، سه سطح را از یکدیگر متمایز کرده است: الف) سطح تحلیل فردی که در آن موضع افراد و اعضای هر یک از گروه‌های سیاسی نسبت به سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع و نیز رفتار سیاسی آنها مدنظر قرار می‌گیرد. ب) سطح تحلیل گروهی که در آن به مواضع گروه‌ها و نیروهای اجتماعی بدون در نظر گرفتن نظرهای شخصی آنها توجه می‌شود. ج) سطح تحلیل ساخت‌ها که در آن ساخت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. این بدان معنی است که جناح‌های سیاسی با توجه به نوع نگاه آنها به دین، سیاست، اقتصاد و فرهنگ دسته‌بندی و بررسی می‌شوند (عبداللهیان و منفرد، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

همچنین اندیشمندان مختلف، برای معرفی گفتمان حاکم بر دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران، متأثر از جریان‌های فکری حاکم بر احزاب سیاسی شناخته شده جهان، نام‌گذاری‌های مختلفی داشته‌اند؛ اما همین تکرر عناوین، هنگام برشماری ویژگی‌های این گفتمان‌ها، تا حدود زیادی به اشتراک و تفاهم می‌رسند.

آنچه در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران تا پایان جنگ تحمیلی بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع، حاکم بوده، گفتمان انقلاب اسلامی به معنای عام کلمه است. اما با پایان جنگ تحمیلی، به‌واسطه نیاز به تعمیر خرابی‌ها و مواجهه با تحریم‌ها گفتمانی در رأس قوه مجریه قرار گرفت که توسعه

اجتماع عمل می‌کنند (راووداد، ۱۳۸۲ و کنی^۱، ۲۰۰۵). نظریه کلاسیک بازنمایی همچنین این سؤال را مطرح می‌کند که رسانه‌ها و آثار هنری تا چه اندازه، واقعیت اجتماعی را بازنمایی می‌کنند. در پاسخ به این سؤال، نظریه‌پردازان کلاسیک بازنمایی، مسائل مختلفی را مطرح کرده‌اند. برخی بر این باورند که رسانه‌ها بازتاب‌دهندهٔ هنجارها و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه هستند. همچنین به عقیدهٔ برخی دیگر، رسانه‌های جمعی به «بازتولید نمادین اجتماع» یعنی به نحوه‌ای که یک جامعه میل دارد خود را ببیند می‌پردازند (استریناتی^۲، ۱۳۸۰). بدین ترتیب، نظریه کلاسیک بازنمایی، رابطهٔ سراسر و ساده‌ای میان واقعیت و بازنمایی رسانه‌ای و بصری آن برقرار می‌کند.

اما نظریات جدید بازنمایی، این رابطه را نه ساده و سراسر، که سرشار از پیچیدگی در نظر می‌گیرند. نظریه‌های جدید بازنمایی که الهام گرفته از مطالعات فرهنگی معاصر و مباحث مربوط به چرخش زبانی است بر آن است که رسانه‌ها آینه‌وار اقدام به انعکاس واقعیت نمی‌کنند. از دیدگاه هال، بازنمایی، استفاده از زبان برای تولید نکته‌ای معنادار دربارهٔ جهان است. معنا در ذات وجود ندارد، بلکه ساخته می‌شود و نتیجه و محصول یک‌رویهٔ دلالتی است (مهدیزاده، ۱۳۸۷: ۱۴).

رسانه‌ها از طریق آنچه ژان بودریار^۳، «فراواقعیت» می‌خواند، به دنبال خلق واقعیات جدیدی هستند. در این فرایند، رسانه‌ها از طریق نوعی سازوکار جانشینی، به‌جای «واقعیت»، امر واقعی جدیدی را می‌نشانند که به‌طور کامل براساس ترکیب عناصر رمزگان تولید می‌شود. در این حالت، واقعیت به نفع این واقعیت جدید، که توسط خود رسانه تحقق می‌یابد، ملغی شده و از میان می‌رود. از نظر بودریار، در این فرایند، فراواقعیت، قدرت واقعیت را پیدا می‌کند (بودریار، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

از منظر فوکویی آن‌گونه که در مطالعات فرهنگی در بریتانیا تکوین یافته است، می‌توان گفت «بازنمایی همیشه در یک گفتمان صورت می‌پذیرد و گفتمان تعیین می‌کند که دربارهٔ یک متن خاص چه می‌توان گفت و چه نمی‌توان گفت» (استوری، ۱۳۸۶: ۲۴). در این جا، دانش و قدرت به هم پیوند می‌خورند. فوکو گفتمان را «تفاوت میان آنچه می‌توان در یک

1. Kenney
2. Strinati
3. Baudrillard
4. Hyperreality

ابزارهای ارتباطی بیان و بازنمایی شود. از طریق شناخت صور نمادین می‌توان به شناخت دربارهٔ زمینه‌هایی رسید که این صور براساس و متأثر از آنها شکل گرفته‌اند (یعنی همان ایدئولوژی) و دوباره به بازتولید این صور می‌پردازند (عبداللهیان و منفرد، ۱۳۸۷: ۹۳). تامپسون، ایدئولوژیک بودن را خصلت برجستهٔ صور نمادین می‌داند. طبق تعریف وی صور نمادین، گسترهٔ پهنای از کنش‌ها، گفته‌ها و متون است که به‌وسیلهٔ فاعلان تولید شده و توسط آنها و دیگران به‌عنوان ساخت‌های مفهومی یا استنباط‌های معنادار تشخیص داده می‌شوند. گفته‌ها، ابزارهای زبانی اعم از گفتاری و نوشتاری و حتی غیرزبانی نظیر صوت و تصویر از این لحاظ مهم‌اند (تامپسون، ۱۳۷۸: ۷۳).

در مجموع باید گفت رسانه‌ها چه از جنبهٔ سیاست‌گذاری و چه از جنبهٔ ترویج، بر یک گفتمان تأثیر داشته و از آن تأثیر می‌پذیرند (علی‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۸). در این مقاله، رسانهٔ انتخاب شده، فیلم سینمایی و صور نمادین، شامل هر عنصر صوتی و تصویری است که در قاب صحنه قرار داده شده است.

الگوی هنجاری نشانه‌شناسی مدیران

مدیریت عبارت است از فرایند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری و اعمال کنترل بر تلاش‌ها و کارهای اعضای سازمان و نیز استفاده کردن از منابع سازمانی برای دستیابی به هدف‌های کلان اعلان شدهٔ سازمان (دفت^۳، ۱۳۷۹: ۱۲). هنری مینتزبرگ^۴ معتقد است مدیریت شامل وظایف و نقش‌هایی چون رهبری سازمان، منبع اطلاعاتی، عامل تصمیم‌گیری و ایجاد رابطه با دیگر سازمان‌ها است (حیبی، ۱۳۷۹: ۱۷).

بسیاری از نظریه‌پردازان و اندیشمندان توسعه، مدیریت را مهم‌ترین رکن تحول و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی جوامع دانسته و بر این اساس، برای رشد و توسعهٔ آن، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی کرده‌اند. سعی نگارندهٔ مقاله این بوده که برخلاف تفکر رایج که با رویکرد اقتصادی به بررسی کلیه شاخه‌های مدیریت می‌پردازد. مدیران را از منظر رویکرد فرهنگی مورد تحلیل قرار دهد. بر اساس هنجار پذیرفته شده در جمهوری اسلامی ایران، در نظامی که به‌وسیلهٔ یک انقلاب فرهنگی برپا شده است، حتی نگاه‌های

اقتصادی را سرمشق خود قرار داد و از آن می‌توان به گفتمان رفاه یاد کرد. در مرحلهٔ بعد و پس از توجه به تولید و توسعهٔ اقتصادی، گفتمان دیگری مطرح شد که تفکر خود را بر پایهٔ توجه به آزادی بیان و اندیشه بنا نهاد و پس از آن نیز گفتمان دیگری با محوریت عدالت و مهرورزی مطرح شد که تأکیدش بر آموزه‌های دینی بود (علی‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۴۲). از منظر دیگری، سه گفتمان غالب در جمهوری اسلامی ایران وجود داشته و دارد که در ادوار مختلف، توانسته‌اند به حاکمیت برسند: گفتمان پراگماتیسم، گفتمان لیبرالیسم و گفتمان اصول‌گرایانه (غضنفری، ۱۳۸۸).

اصلی‌ترین خطوط فکری گفتمان رفاه یا به‌بیان‌دیگر، گفتمان پراگماتیسم عبارت‌اند از: اعمال سیاستی برای نزدیک شدن به غرب، تلاش برای ایجاد فضای لازم در جذب سرمایه‌های خارجی، حمایت از سرمایه‌داری صنعتی و تشویق به سرمایه‌گذاری، تغییر فضای فرهنگی جامعه در قالب مسائلی چون حجاب زنان، ورزش زنان است.

در مقابل، خطوط فکری اصلی صاحبان گفتمان آزادی بیان که در دولت‌های هفتم و هشتم به ظهور رسید عبارت‌اند از: دفاع از قانون‌گرایی، آزادی قلم و اندیشه، آزادی بیان، نظارت مردم بر حاکمیت، برپایی جامعه مدنی، نقد و نقدپذیری، حقوق زنان، فردگرایی.

و درنهایت، خطوط بارز گفتمان عدالت و مهرورزی که تا حدودی با گفتمان اصولگرایی اشتراک دارد عبارت‌اند از: معرفی اسلام به‌عنوان بهترین راهکار در تمام حوزه‌های زندگی، تشکیل حکومت و دولت اسلامی، برپایی مردم‌سالاری دینی، توجه به خواست جوانان و استفاده از آنان در سمت‌های مدیریتی، یکدست بودن جامعه و نبود طبقه‌ای خاص میان مردم و ... (علی‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۱ - ۱۴۲).

مبادلات گفتمان‌ها با ابزارهای ارتباطی

طبق نظریهٔ تامپسون^۱ و مانهایم^۲، ایدئولوژی دارای ساختاری است که از سه عنصر کلیدی «جهان‌نگری»، «بافت جامعه» و «پدیده‌های نمادین» تشکیل می‌شود (تامپسون، ۱۳۷۸: ۷۰). بر این اساس بین بازنمایی‌های صورت گرفته در یک دوره به‌مثابهٔ عناصر نمادین رسانه‌ای و ساختارهای ایدئولوژی حاکم بر آن رسانه، پیوندی ساختارمند وجود دارد. چنین ساختارهای ایدئولوژیکی تعیین می‌کنند چه چیزی می‌تواند و باید در قالب

3. Daft
4. Mintzberg

1. Thompson
2. Mannheim

این نشانه‌شناس فرانسوی، در تحلیل رمان بالزاک از آن بهره گرفته است. بارت در کتاب S/Z داستان کوتاه سارازین^۵ اثر بالزاک^۶ را به شیوه‌ای ساخت‌گرایانه بررسی کرده است. پنج رمزگان دخیل در روایت که بارت در تحلیل رمان بالزاک به کار گرفته عبارت‌اند از:

۱. رمزگان هرمنوتیکی^۷: رمزگانی که روایت را پیش می‌برد و مترادف با سؤال و جواب و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی است که ممکن است سؤالی را صورت‌بندی کنند یا پاسخ آن را ارائه دهند و یا معمای را پیش کشند. این رمزگان مؤلفه‌های سؤال، ابهام، معما و تأخیر معنایی را صورت‌بندی می‌کنند و درنهایت، نقاط بازگشت در روایت را شکل می‌دهد (بیچرانلو، ۱۳۸۷: ۱۰). هاوکس^۸ می‌نویسد «این به واقع همان رمز داستان‌گویی است که به‌واسطه آن، روایت سؤالاتی را پیش می‌کشد و تعلیق و رمزوارگی می‌آفریند و سرانجام در مسیر خود گره‌گشایی می‌کند» (هاوکس، ۲۰۰۳: ۱۱۶). این رمزگان را می‌توان براساس شکل کلی‌اش تشخیص داد: یک‌روند رمزآلود به همراه وعده‌ضمنی رمزگشایی: آفرینش حالت تعلیق و به‌دنبال آن گره‌گشایی (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

۲. رمزگان واحدهای کمیته معنایی یا دال‌ها: درواقع، همان رمزگان معناهای ضمنی است که از اشارات ظریف معنایی تشکیل شده است و توسط دال‌های به خصوصی تولید می‌شود. مثلاً e در عنوان داستان سارازین بر مؤنث‌بودن دلالت دارد و این تأنیث، کیفیتی است که در کانون بسیاری از پیچیدگی‌های بعدی داستان قرار دارد.

۳. رمزگان نمادین^۹: این رمزگان گروه‌بندی یا ترکیب‌بندی‌های قابل‌تشخیص است که به‌طور منظم در شکل‌های متفاوت و به شیوه‌های مختلف در متن تکرار می‌شوند و سرانجام ترکیب‌بندی غالب را می‌سازند. مهم‌ترین کارکرد رمزگان نمادین واردکردن تقابل‌ها در متن است. این رمزگان دربرگیرنده مضمون‌ها است (بیچرانلو، ۱۳۸۸: ۱۰).

۴. رمزگان کنشی^{۱۰}: ریشه در مفهوم «توانایی عقلانی تعیین نتیجه عمل» دارد و به‌طور ضمنی به ختم رویداد اشاره می‌کند. این رمزگان در برگیرنده کنش‌ها و رویدادهاست که

اقتصادی و صنعتی نیز با هدف فرهنگی شکل می‌گیرند. در چنین شرایطی، نهادها و سازمان‌های سیاسی، اجتماعی، نظامی و امنیتی نیز در فضای فرهنگی، سازمان‌دهی شده و چشم‌انداز نهایی آنها فرهنگی خواهد بود.

از مهم‌ترین مقدمات و شروط بالندگی یک سازمان، بالندگی مدیر آن است. بنابراین، تصور می‌شود که انتخاب مدیر در یک نظام کاملاً مطلوب صورت گرفته است (مهردی، ۱۳۷۸: ۲۶). پیش‌فرض مخاطبان فیلمی که در آن نقش مدیر حضور دارد نیز این است که مدیر بازنمایی شده در فیلم، در اوج بالندگی است. گزینه‌های دیگر موجود در فیلم است که می‌تواند این پیش‌فرض را تقویت یا تضعیف نماید.

روش‌شناسی

روش به‌کار رفته برای بررسی شیوه‌های بازنمایی مدیران در فیلم‌ها «تحلیل نشانه‌شناختی» است. این روش در میان انواع روش‌های تحقیق، به‌عنوان یک روش کیفی شناخته می‌شود. به‌کارگیری این روش نیازمند انتخاب یا طراحی یک قالب مشخص است تا نشانه‌شناسی به شیوه‌ای نظام‌مند انجام شده و قابلیت صحت سنجی و تعمیم داشته باشد. در همین راستا در این پژوهش از الگوهای نشانه‌شناختی جان فیسک و رولان بارت به‌عنوان دو الگوی شناخته‌شده نشانه‌شناسی کمک گرفته شده است. پژوهش کیفی به‌جای تبیین رابطه بین متغیرها با توصیف سروکار دارد. شیوه‌های کیفی در پی توصیف، رمزگشایی، برگردان و یافتن معنای پدیده‌ها نه فراوانی آنها است (پاپی و ویلیامز^{۱۱}، ۱۹۹۸: ۳۴۲). این نوع پژوهش در مواردی استفاده می‌شود که نوعی دغدغه نسبت به فهم چگونگی وقوع پدیده‌ها و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر وجود دارد نه سنجش رابطه بین متغیرها (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷: ۱۳۸). هدف داده‌های کیفی فراهم آوردن عمق و جزئیات کنش‌ها و رویدادها از نگاه نقش‌آفرینان یا آزمودنی‌های تحت بررسی است. در نتیجه روش‌شناسی کیفی می‌تواند از طریق کاوش عمیق‌تر و بررسی جنبه‌های ملموس، موضوعات بحث‌برانگیز پیچیده را به بینش‌های معناداری تجهیز کند (ماکسول^{۱۲}، ۱۹۹۲: ۲۷۹). از منظر هستی‌شناسی، رویکرد کیفی جهان را مرکب از واقعیت‌های چندگانه^{۱۳} می‌بیند (ساراکوس^{۱۴}، ۱۹۹۸: ۱۲).

الگوی نشانه‌شناسی رولان بارت، همان الگویی است که

5. Sarasine
6. Honoré de Balzac
7. Her
8. Terence Hawkes
9. Sem
10. Sym
11. Act

1. Popay & Williams
2. Maxwell
3. Multiple realities
4. Sarakos

است. معنا فقط زمانی ایجاد می‌شود که «واقعیت» و انواع بازنمایی و ایدئولوژی در یکدیگر ادغام شوند و به نحوی منسجم و ظاهراً طبیعی به وحدت برسند. نقد نشانه‌شناختی یا فرهنگی، این وحدت را واسازی می‌کند و نشان می‌دهد که «طبیعی» به نظر آمدن این وحدت، ناشی از تأثیر بسزای رمزهای ایدئولوژیک بر آن است (فیسک، ۱۳۸۸: ۱۳۰). از نظر او رمزگان‌ها، «واسطه‌های بیان» مسائل موجود در فرهنگ هستند. فیسک معتقد است که واقعیتی که در رسانه ارتباطی بازنمایی می‌شود پیش‌تر در سطح واقعیت اجتماعی رمزگذاری شده است و در سطح بازنمایی به کمک واسطه‌های بیان یا رمزگان‌های متعارف آن سطح رمزگذاری مجدد می‌شود.

چارچوب کلان نظری که این مقاله مبتنی بر آن تهیه شده در شکل (۱) نشان داده شده است.

بر این اساس، پس از انتخاب یک فیلم، یک صحنه مرتبط با موضوع پژوهش از میان صحنه‌های آن انتخاب و از دو فیلتر رمزگانی مربوط به دو الگوی نشانه‌شناسی مختلف عبور داده می‌شود. پس از طی این مرحله برای چهار صحنه از چهار فیلم، چهار جدول متشکل از مؤلفه‌های معنایی و رمزگان‌های استخراج شده از صحنه‌ها را در اختیار داریم. سپس این داده‌ها برای رسیدن به روندهای بازنمایی و تحلیل نهایی از دو مسیر به صورت تقاطعی بازبینی می‌شوند. مسیر اول، حاصل از تقاطع همزمان رمزگان‌ها در یک صحنه مربوط به یک فیلم است و مسیر دوم، حاصل از تقاطع همزمان چهار صحنه از چهار فیلم ساخته شده در ادوار مختلف مدیریتی ایران می‌باشد. در نهایت نیز یافته‌های حاصل از این دو مسیر در تولید تحلیل نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

چهار فیلم سینمایی بررسی شده در این مقاله از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند در دو مرحله و با استفاده از جداول فروش سالانه سینماهای کشور انتخاب شده‌اند. چون بازنمایی‌های رسانه‌ای شناخت و باور عمومی را شکل می‌دهند در مرحله اول، پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمایی سال‌های پس از انقلاب، از طریق مراجعه به لیست پرفروش‌ترین فیلم‌های سال سینمای ایران انتخاب شدند و در مرحله دوم از میان این لیست، یک صحنه از چهار فیلم ساخته شده در چهار دولت مختلف که در داستان آنها مدیر یا مدیرانی وجود داشته‌اند به‌عنوان چهار نمونه نهایی برگزیده شدند. به‌عبارت‌دیگر، چهار فیلم منتخب این تحقیق، در سال اکران خود، پرفروش‌ترین اثر اکران شده بوده‌اند. مبنای این شیوه‌گزینی این است که تأثیر اجتماعی در حوزه سینما در صورتی ظهور می‌کند که فیلم، مخاطبان قابل توجهی

همان زنجیره رویدادها را در برمی‌گیرد. این توالی‌ها الزاماً از درون متن نشئت نمی‌گیرند بلکه خواننده به متون مشابه نیز رجوع می‌کند که پیش‌تر در ساختارهای مشابه وجود داشته‌اند و بنابراین ساختار کلی متن را به‌مثابه یک کل به هم پیوسته حدس می‌زند (بیچرانلو، ۱۳۸۸: ۱۱). بر این اساس، این رمزگان دارای ویژگی‌های گفتمانی است و بیشتر مبنای تجربی دارد تا عقلانی (بارت، ۱۹۷۴: ۱۹).

۵. رمزگان فرهنگی یا ارجاعی^۱: رمزگان فرهنگی ارجاع به بیرون دارد و به قلمرو ایدئولوژیک و اسطوره‌ها ارجاع می‌دهد و سعی می‌کند باورهای مطرح شده در متن را طبیعی و مطابق با عرف نشان دهد (کوارد و الیس، ۱۳۸۰: ۱۸۱). عناصر و مؤلفه‌های رمزگان ارجاعی را می‌توان از اسطوره‌ها، ضرب‌المثل‌ها، کلیشه‌ها یا گفتمان‌های فنی خاص به دست آورد که بر مبنای دانش اجتماعی پیشینی شکل می‌گیرد.

الگوی نشانه‌شناختی فیسک، به‌عنوان دومین الگوی به کار گرفته شده در این مقاله، یک الگوی تحلیل رمزگانی است. رمزها از نظر فیسک، نظام‌هایی هستند که نشانه‌ها در درون آنها سازمان یافته‌اند (فیسک، ۱۳۸۸: ۶۴). جان فیسک میان سه سطح از رمزگان‌های فرهنگی تفاوت می‌گذارد: سطح واقعیت، سطح بازنمایی و سطح ایدئولوژی. از نظر او انواع مختلف رمزگان، واسطه‌های بیان خاص خود را دارند. هدف فیسک از این تقسیم‌بندی، تحلیل متون رسانه‌ای بوده است (همان: ۱۲۸).

سطح نخست، یا رمزگان‌های سطح واقعیت، شامل ظاهر، لباس، چهره‌پردازی، محیط، رفتار، گفتار، حرکات سر و دست، صدا و ... رمزهایی اجتماعی هستند.

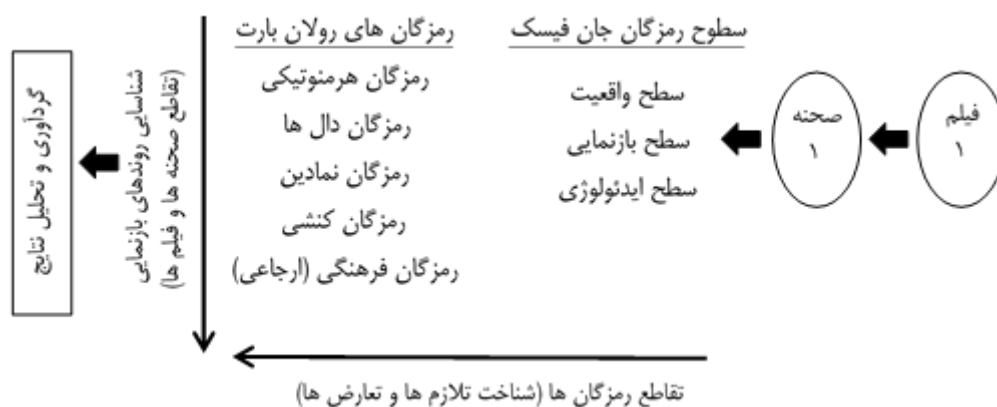
سطح دوم یا سطح بازنمایی شامل دوربین، نورپردازی، تدوین، موسیقی و صدابرداری، رمزهای متعارف بازنمایی را انتقال می‌دهند؛ رمزهایی از قبیل روایت، کشمکش، شخصیت، گفت‌وگو، زمان و مکان، انتخاب نقش‌آفرینان بود.

سطح سوم یا رمزهای ایدئولوژیک، عناصر یاد شده را در مقوله‌های «انسجام» و «مقبولیت اجتماعی» قرار می‌دهند. برخی از رمزهای ایدئولوژیک عبارت‌اند از: فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری است.

از نظر فیسک، روند ایجاد معنا در یک متن، مستلزم حرکت مستمر صعودی و نزولی در سطوح مختلف رمزگانی

اسلامی ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲ انتخاب شده‌اند. این فیلم‌ها عبارت‌اند از: عقاب‌ها (۱۳۶۴)، دیگه چه خبر (۱۳۷۱)، مکس (۱۳۸۴) و قلاده‌های طلا (۱۳۹۱).

- متناسب با تعداد کل مخاطبان سینما - داشته باشد. همچنین از آنجا که هدف اصلی این تحقیق تشخیص تأثیرپذیری یا عدم تأثیرپذیری فیلم‌ها از گفتمان دولت مستقر در رأس امور کشور در زمان ساخت فیلم بوده است. چهار فیلم پرفروش منتخب در این مقاله از چهار دولت متفاوت جمهوری



شکل ۱. چارچوب کلان نظری پژوهش

داستان سارازین، آن را به واحدهای کوچکی به نام لکسیا^۳ تقسیم و براساس الگوی خود به تفسیر آن پرداخته است. واحد خوانش در تحلیل بارت، یک قلمروی تحقق معناست که گاهی یک جمله و گاهی یک کلمه است. این استراتژی‌های تفسیری سبب ایجاد انعطاف در نحوه بررسی بارت شده است. هدف بارت، نشان دادن ماهیت دلالت‌کننده داستان بوده است (هاوکس، ۲۰۰۳: ۹۴). علاوه بر این، وی دارای مقالات و مصاحبه‌های متعددی است که در آنها برای معناشناسی یک فیلم تنها به یک صحنه بسنده کرده است. به‌عنوان مثال، وی در نشانه‌شناسی فیلم «مردی از ریو»^۴ ساخته فیلیپ دو بروکا، تنها به یک صحنه اکتفا می‌کند (بارت، ۱۳۸۴: ۷۳). یا در مقاله «معنای سوم»، صحنه‌ای از فیلم ایوان مخوف را با یادآوری چند تصویر توصیف می‌کند و سپس می‌کوشد سه سطح معنایی را در آن جستجو کند (همان: ۳۲). بنابراین روش به‌کار رفته در این مقاله، به‌عنوان روشی علمی، در موارد متعددی توسط صاحب‌نظران و اساتید این حوزه به‌کار گرفته شده است.

درخصوص روایی و پایایی تحقیق حاضر که در زمره

واحد تحلیل در این بررسی صحنه^۱ انتخاب شده است. «صحنه عبارت است از بخشی از یک فیلم روایی که حسی از کنش مداوم را القا می‌کند که در یک مکان و زمان مداوم رخ می‌دهد.» (فیلیپس^۲، ۱۳۸۸: ۲۹). مبنای انتخاب صحنه‌ها این بوده که اولاً در آنها حداقل یک مدیر حضور داشته باشد، ثانیاً از میان صحنه‌های حضور مدیر، مؤثرترین صحنه از حیث نقش‌آفرینی مدیریتی وی باشد. نگاه دیگری نیز که در انتخاب صحنه‌ها وجود داشته این بوده که تا جای ممکن، صحنه منتخب، جزو نقاط کانونی فیلم از حیث انتقال نگاه فیلم‌ساز به جایگاه و نقش «مدیر» باشد.

در روش تحقیق کیفی، تفسیر محقق، مبتنی بر نمونه‌گیری قضاوتی است که از مورد تحقیق دارد. در روش کیفی به‌دنبال تعمیم یافته‌ها نیستیم؛ بلکه به‌دنبال عمق دادن به فهم و تفسیر دقیق‌تر از مورد تحقیق هستیم. در فیلم‌های سینمایی معمولاً نقطه‌های کانونی در خلال فراز و فرودهای فیلم پنهان و مستتر است.

روش به‌کار رفته در این پژوهش، کاملاً برگرفته از شیوه نشانه‌شناسی رولان بارت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان نشانه‌شناسی است. بارت برای نشانه‌شناسی

۳. Lexia: شاید بتوان در فارسی معادل «خردواژگان» را انتخاب کرد (بیچرانلو، ۱۳۸۸: ۳۰).

4. L'homme de Rio
5. Philippe De Broca

1. Scene
2. Phillips

انجام عملیاتی به منطقه نفوذ کرده او را یافته و نجات می‌دهد. کردهای عراقی خلبان را پنهان کرده و سپس با وجودی که به شدت مورد تفتیش و عملیات ایدایی نظامیان عراق هستند، با کمک تکاور ایرانی با تمهیداتی باعث نجات خلبان می‌شوند. یک بالگرد عراقی، به تعقیب خلبان و تکاور که با موتور ی قصد ورود به خاک ایران را دارند می‌پردازد. با نزدیک شدن آن دو به پاسگاه‌های مرزی، هلیکوپتر با آتش پر حجم ضد هوایی روبرو و سرانجام منهدم می‌شود. خلبان و تکاور شادمان از این موفقیت، بی‌توجه به اخطار و تذکرات نیروهای خودی، که قصد دارند آنها را متوجه کنند که در میدان مین در حال حرکت هستند بر اثر برخورد با مین از حرکت باز می‌مانند. انفجار مین سبب از دست رفتن تکاور می‌شود.

صحنه منتخب: حمله هوایی عراق به پایگاه نیروی هوایی / محل وقوع: پایگاه نیروی هوایی / زمان: روز

سروان درخشان با چهره‌ای مضطرب وارد اتاق می‌شود و درحالی‌که می‌دود به سمت میز آمده، تلفن را برمی‌دارد و شروع به گرفتن شماره می‌کند. سروان در نمای مدیوم کلوزآپ مشغول گرفتن شماره است که سرهنگ (فرمانده پایگاه) با همان عجله و اضطراب در نمای لانگ در پس زمینه به جلوی در اتاق می‌رسد. او که با دیدن سروان سعی می‌کند اضطرابش را پنهان کند، با تغییر در سرعت و با آرامشی که حالا در حرکاتش مشاهده می‌شود به سمت میز می‌آید. سروان که موفق به برقراری تماس نشده گوشی را با شدت روی تلفن می‌گذارد. سرهنگ هم که حالا به کنار میز رسیده کلاهش را روی میز می‌گذارد و او هم مشغول شماره گرفتن می‌شود. سروان درحالی‌که اضطراب در چهره و صدایش مشهود است رو به سرهنگ کرده و با صدای بلند می‌گوید: چرا گذاشتند آنها شروع کنند؟ چرا صبر کردند که آنها حمله کنند جناب سرهنگ؟ سرهنگ با عتاب به سروان و درحالی‌که گوشی را در دست دارد: خودت را کنترل کن سروان! حالا موقع این حرف‌ها نیست. برو سر کارت. به اعصاب مسلط باش. سرهنگ چند بار الو می‌گوید. سروان باز با همان حالت قبلی: تلفن‌ها قطع شده جناب سرهنگ. سرهنگ با چهره‌ای اخم‌آلود و با لحنی آمرانه خطاب به سروان: به هات لاین بگو آژیر احضار کلیه پرسنل به پست فرماندهی. همزمان، سروان برای اجرای دستور از صحنه خارج می‌شود. با خروج سروان، سرهنگ که دیگر ضرورتی برای پنهان کردن اضطرابش نمی‌بیند با حالتی ملتسانه در گوشی الو می‌گوید. در کل این صحنه برشی وجود ندارد و به صورت تک پلان گرفته شده است.

پژوهش‌های کیفی به حساب می‌آید، همچنین باید گفت این مسئله همزمان با توسعه سیستم‌های محاسباتی در پژوهش‌های کمی، به یکی از چالش‌های اساسی تحقیق کیفی تبدیل شده است (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷: ۱۴۷). در دهه ۱۹۸۰ گوبا و لینکلن^۱ مفهوم «قابلیت اعتماد» را به‌عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مطرح کرده‌اند که مشکل از چهار عنصر است: قابلیت اعتبار^۲، قابلیت انتقال^۳، قابلیت اتکا^۴ و قابلیت تأیید^۵ (همان: ۱۴۸).

برای تأیید دقت علمی در پژوهش‌های کیفی با استفاده از مفهوم قابلیت اعتماد، استراتژی‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفته که یکی از آنها «تأیید همکاران پژوهشی»^۶ است (گوبا و لینکلن، ۱۹۸۹ به نقل از دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷: ۱۴۸). در پژوهش حاضر نیز با استفاده از همین استراتژی، یافته‌های هر مرحله توسط سه نفر از اساتید دانشگاهی رشته‌های مدیریت و ارتباطات مورد بازبینی و تأیید قرار گرفت تا روایی و پایایی نتایج، تحت ساختاری علمی مورد توجه و رعایت باشد.

تحلیل داده‌ها

در این قسمت، فیلم‌های منتخب به ترتیب سال تولید معرفی و تحلیل شده‌اند. شیوه تحلیل فیلم‌ها بدین صورت است که پس از بیان چکیده‌ای از داستان هر فیلم و فیلمنامه صحنه منتخب، تحلیل دقیق نشانه‌شناختی و رمزگانی از بازنمایی مدیر در صحنه منتخب فیلم براساس دو الگوی فیسک و بارت در قالب یک جدول ارائه و سپس برداشت‌های پژوهشگر قرار داده شده است.

عقاب‌ها

کارگردان: ساموئل خاچیکیان / سال تولید: ۱۳۶۲ / سال اکران: ۱۳۶۴ / دولت وقت: سوم، میرحسین موسوی

چکیده داستان فیلم: با شروع جنگ، نیروی هوایی همگام با دیگر نیروها وارد عمل می‌شود. خلبانی پس از چند پرواز موفقیت‌آمیز تهاجمی، در یکی از پروازها صدمه دیده و سقوط می‌کند. خلبان با چتر نجات در کردستان عراق فرود می‌آید. عراقی‌ها در تعقیب او هستند ولی یک تکاور ایرانی که جهت

1. Guba & Lincoln
2. Trustworthiness
3. Credibility
4. Transferability
5. Dependability
6. Conformability
7. Peer Debriefing

جدول ۱. سطوح نمایش مدیر و عمده‌ترین رمزهای صحنه منتخب فیلم عقاب‌ها

سطوح نمایش مدیر	سطوح نخست: واقعیت	سطوح دوم: بازنمایی	سطح سوم: ایدئولوژی
	رمزهای اجتماعی	رمزهای فنی	رمزهای ایدئولوژیک
رمزگان	(ظاهر، لباس، چهره‌پردازی، محیط، رفتار، گفتار، حرکات سر و دست، صدا)	(دوربین، نورپردازی، تدوین، موسیقی و صدایبرداری)	رمزهای ایدئولوژیک
الگوی فیسک	۱. سرهنگ، لباس نظامی به تن دارد، ریش را تراشیده و سیل دارد.	۱. زمان و مکان بحرانی به دلیل بمباران پایگاه هوایی توسط هواپیمای عراقی.	مدیریت بحران توسط سرهنگ به خوبی انجام می‌شود.
دلالت	۲. سروان با چهره‌ای مضطرب، دستش را روی میز می‌کوبد و فریاد می‌زند.	۲. عدم برقراری ارتباط تلفنی بر بحرانی بودن فضا می‌افزاید.	
	۳. سرهنگ با چهره‌ای مقتدر، حرکاتی همراه با طمأنینه و بیانی محکم، به زیر دستش دستورات لازم را می‌دهد.	۳. گفتگوی سروان و سرهنگ؛ سروان مضطرب است اما سرهنگ آرام است.	
نوع رمزگان	هرمنوتیک	ضمنی	نمادین
الگوی بارت	رمزگان	کنشی	ارجاعی
	بحران به وجود آمده توسط حمله هواپیمای عراقی در پایگاه چگونه مدیریت می‌شود؟	سرهنگ سعی می‌کند آرامش خود را به‌عنوان فرمانده پایگاه در حضور زیردست حفظ کند.	بحران به توانایی فرماندهان نظامی در جنگ تحمیلی در مدیریت جنگ و تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی

/ دولت وقت: پنجم، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی چکیده داستان فیلم: «فرشته» دانشجوی ادبیات (نماینده احساس نسل جوان) و برادرش «عباس» دانشجوی کامپیوتر (نماینده عقل نسل جوان) با خانواده نیمه سنتی خود در یکی از محلات قدیمی تهران زندگی می‌کنند. آنها سعی می‌کنند با توجه به موقعیتی که از لحاظ اجتماعی دارند به دفاع از اعتقادات خود بپردازند و سنت‌های نوینی را جایگزین پاره‌ای از سنت‌های کهنه نمایند.

صحنه منتخب: لیز خوردن مدیر شرکت در حضور منشی / محل وقوع: شرکت / زمان: روز
نمای باز از فرشته (منشی شرکت) درحالی‌که همزمان موز می‌خورد و با تلفن صحبت می‌کند: آقا جعفر را فرستادم پشت شهرداری، (مکتی کوتاه) اگر پیدا کرد لاشه، (به ساعت نگاه می‌کند) یک ربع دیگر زنگ بزن بهت می‌گویم. گوشی را روی تلفن می‌گذارد، قسمت آخر موز را می‌خورد و پوست موز را به سمت سطل پرتاب می‌کند، برش به نمای اینسرت سطل، پوست موز، کنار سطل و جلوی در ورودی شرکت می‌افتد. برش به نمای قبلی، فرشته برای درون سطل انداختن پوست موز، از روی

این صحنه از فیلم عقاب‌ها، یک فرمانده نظامی را به تصویر کشیده که سعی می‌کند بحران به‌وجود آمده را به نحو مطلوب مدیریت کند. تصمیم‌گیری صحیح در شرایط حاکم در این صحنه، از ویژگی‌های یک مدیر موفق است که در دستوراتی که سرهنگ به سروان می‌دهد بازنمایی شده است. فیلم در سال ۶۲ و در اوج جنگ تحمیلی ساخته شده و فرمانده نظامی نشان داده شده، می‌تواند نمونه‌ای از مدیران نظامی جنگ تحمیلی باشد. شرایط جنگی، شرایطی تماماً بحرانی است و اقتضای این شرایط، وجود مدیرانی است که از بارزترین ویژگی‌های‌شان توانایی مدیریت بحران باشد. مدیر بازنمایی شده در فیلم عقاب‌ها نمونه‌ای از مدیران موفق در این زمینه است که می‌تواند توسط مخاطب به سایر مدیران جنگ تحمیلی تعمیم داده شود. مسئولیت‌پذیری، صراحت و صحت در روابط از جمله ویژگی‌های هنجاری است که در فرمانده بازنمایی شده در فیلم عقاب‌ها قابل مشاهده است.

دیگه چه خبر

کارگردان: ته‌مینه میلانی / سال تولید: ۱۳۷۰ / سال اکران: ۱۳۷۱

لانگ از اتاق منشی و در ورودی شرکت در باز می‌شود. مدیر وارد می‌شود، فرشته می‌ایستد و سلام می‌کند، مدیر سری به نشانه سلام تکان می‌دهد، در را می‌بندد در اولین قدم پایش روی پوست موز می‌رود و زمین می‌خورد. (افکت صوتی طبل مانند) فرشته دو دستش را روی صورت می‌گذارد تا خنده‌اش را پنهان کند. مدیر سریع از روی زمین بلند می‌شود و با صدای بلند و لحنی آمرانه می‌پرسد: نامه‌ها چی شد؟ فرشته: تایپ شد.

صندلی نیم‌خیز می‌شود، همزمان نگاهش به ساعت می‌افتد، برش به این سرت ساعت دیواری، ساعت رأس ۱۰ است (مدیر شرکت هر روز رأس ساعت ۱۰ به شرکت می‌آید). فرشته با کمی تأمل و شیطنتی که در چهره‌اش مشخص است، دوباره سر جایش می‌نشیند و با خودکار روی میز می‌زند (انتظار ورود مدیر)، برش به اینسرت ساعت که ثانیه شمار روی ۱۲ می‌ایستد و ساعت ۱۰ را نشان می‌دهد. صدای زنگی شبیه زنگ ساعت، برش به نمای

جدول ۲. سطوح نمایش مدیر و عمده‌ترین رمزهای صحنه منتخب فیلم دیگه چه خبر

سطوح نمایش مدیر	سطوح نخست: واقعیت	سطوح دوم: بازنمایی	سطوح سوم: ایدئولوژی
رمزگان	رمزهای اجتماعی (ظاهر، لباس، چهره‌پردازی، محیط)	رمزهای فنی (صداگذاری، بازیگر، گفتگو، شیوه رفتار)	رمزهای ایدئولوژیک
الگوی فیسک	۱. مدیر شرکت، کت و شلوار پوشیده و سیبل دارد. ۲. منشی، مانتو و روسری پوشیده و کمی از موهایش بیرون است، اما آرایشی ندارد.	۱. مدیر هیچ عکس‌العملی در مقابل منشی به خاطر لیز خوردن روی پوست موز نشان نمی‌دهد. ۲. سوالات پی‌درپی مدیر پس از برخاستن از روی زمین، حربه‌ای است برای از بین بردن تأثیر آن اتفاق. ۳. تنبیه منشی به دلیل استفاده شخصی از مستخدم به صورت جریمه در حقوق. ۴. عکس‌العمل مدیر درباره مشکلات شخصی منشی ۵. زمان ورود مدیر به شرکت معین و دقیق است. ۶. صداگذاری در لحظه لیز خوردن مدیر، بر تأثیر این اتفاق افزوده است.	۱. مدیر خوب، باید بتواند عصبانیتش را کنترل کند و سعه‌صدر داشته باشد. ۲. توانایی مدیر در نشان دادن عکس‌العمل مناسب و بهنگام. ۳. در نظام تنبیهی مدیر، زبان جایگاهی ندارد و از ابزارهای دیگر استفاده می‌شود. ۴. مدیر موفق در همه کارها نظم را رعایت می‌کند، و با برنامه است.
دلالت			

نوع رمزگان	هرمنوتیک	ضمنی	نمادین	کنشی	ارجاعی
الگوی بارت رمزگان	مدیر شرکت در مواجهه با زمین خوردن جلوی منشی، چه عکس‌العملی نشان خواهد داد؟	۱. ورود مدیر به شرکت در رأس ساعت ۱۰ هر روز نشان می‌دهد آدم منظمی است. ۲. رفتار مدیر پس از لیز خوردن نشان می‌دهد توانایی کنترل رفتارش را دارد.	مدیر / زبردست (منشی) / مؤاخذه / زبانی(دعوا) / تنبیه غیرزبانی (جریمه حقوقی) / نظم / بی‌نظمی	نظم زیاد مدیر نشان می‌دهد او واجد ویژگی‌های یک مدیر موفق هست و می‌تواند اتفاقی که پیش آمده را نیز به‌درستی مدیریت کند.	۱. ارجاع به لزوم منظم و با برنامه بودن مدیران ۲. ارجاع به لزوم کنترل رفتار و سعه‌صدر مدیران ۳. ارجاع به نحوه صحیح نظام تشویق و تنبیه توسط مدیران

نشان می‌دهد در صورتی که این مدیر بخواهد قدمی در حل مشکلات خانوادگی منشی بردارد، نیز از همان رویکرد پیروی کرده و در عمل خود را نشان خواهد داد نه با استفاده از نشانه‌های کلامی یا ظاهری.

مکس

کارگردان: سامان مقدم / سال تولید: ۱۳۸۳ / سال اکران: ۱۳۸۴ / دولت وقت: هشتم، سید محمد خاتمی

چکیده داستان فیلم: داستان این فیلم از زمانی آغاز می‌شود که به مناسبت سال گفتگوی تمدن‌ها، مرکز جذب مغزها وابسته به نهاد ریاست جمهوری تصمیم می‌گیرد یکی از موسیقی‌دانان ایرانی خارج از کشور را برای اجرای یک کنسرت، دعوت کند. برای موسیقی‌دان مورد نظر ایمیل فرستاده می‌شود و او ظرف چند روز به کشور می‌آید. این در حالی است که ایمیل اشتباهی به دست یک خواننده لس آنجلسی رسیده و او به جای فرد اصلی وارد تهران شده است. داستان بر مبنای کارهای این خواننده پیش می‌رود و تناقض‌هایی را به وجود می‌آورد. معاون موسیقی مرکز وقتی متوجه این اشتباه می‌شود، همراه با خانواده‌اش که هر کدام سمتی در این مرکز دارند، سعی می‌کند مکس را با ایجاد ترس از دستگیری و محاکمه، به صورت مخفیانه از کشور خارج کند. اما مکس که از حضور در ایران خوشحال است و تأثیرات مثبتی هم بر ارتباطات اعضای خانواده خانم مدیر گذاشته در کشور می‌ماند.

صحنه منتخب: گفتگوی معاون موسیقی مرکز جذب مغزها با رئیس دفتر معاونت / محل وقوع: دفتر خانم معاون / زمان: روز
نمای معرف از در ورودی معاونت موسیقی؛ صدای دختر: ببینید خانم گوهری، گام‌ها به‌طور کلی در موسیقی کلاسیک دو جورند؛ گام‌های ماژور و گام‌های مینور. حالا اگر بخواهیم ساده‌تر برایتان توضیح بدهم، گام‌های ماژور یک حس و حال شادتری دارند نسبت به گام‌های مینور. برش به نمای کلوزآپ خانم گوهری (مدیر مرکز) درحالی که کمی گیج شده و با خود تکرار می‌کند: مانور شاد ... نه ماژور شاد، مینور غمگین. صدای دختر: بله. برش به فول شات دختر که فلوتی در دست دارد، و همراه با حرکت پن دوربین، در اتاق راه می‌رود. دختر: هر هشت تا نت پشت سر هم یک گام را تشکیل می‌دهد. که البته اسم گام را هم از روی نتی که با آن شروع می‌شود می‌گذارند. دوربین در نمای کلوز دختر همزمان با توقف او می‌ایستد. دختر: خب شما مثلاً این نت را گوش کنید. همزمان با صدای در زدن، دختر شروع به فلوت زدن می‌کند. برش به نمای در اتاق که در حال باز شدن است. احسان (برادرزاده خانم گوهری که رئیس دفترش هم هست) داخل می‌شود و در را می‌بندد. (صدای فلوت) با حرکت

مدیر: کارت‌ها؟ فرشته: فرستاده شد. مدیر: متن‌های چایی؟ فرشته: توی چاپخانه است. مدیر: کاغذهای اداری؟ فرشته: بایگانی شده. مدیر همزمان که به سمت اتاقش حرکت می‌کند: تلفن نداشتم؟ فرشته که هول شده: نه، پیغام‌های تان روی میزتان است.

برش به نمای مدیوم مدیر که کنار در اتاقش می‌ایستد: تلفن نیم ساعت اشغال بود. برش به فول شات فرشته: نیم ساعت؟ من فقط بیست دقیقه با برادر حرف زدم. برش به نمای مدیوم مدیر: زمان زیادیه خانم مدیر درحالی که در اتاقش را باز می‌کند و داخل می‌شود؛ به جعفر بگویند بیاید اتاق من. با صدای فرشته مدیر می‌ایستد و برمی‌گردد: نیست. تراک اوت دوربین همراه بیرون آمدن مدیر از اتاق. مدیر: کجاست؟ فرشته وارد کادر می‌شود: رفته یک مقدار ترانزیستور و دیود و این جور چیزها بخره. مدیر: برای شما؟ فرشته: بله. مدیر سری تکان می‌دهد، کیفش را روی میز فرشته می‌گذارد خودکار و دفتر یادداشت از جیب داخل کنش درمی‌آورد و در حال نوشتن می‌گوید: استفاده شخصی از مستخدم شرکت. کاغذ را امضا و از دفتر جدا می‌کند و به فرشته می‌دهد: شماره و تاریخ بزیند و بگذارید توی پرونده تان. مدیر به اتاقش می‌رود. با حرکت پن دوربین، مدیر از کادر خارج شده و فرشته در مرکز کادر قرار می‌گیرد، فرشته با چهره‌ای مستأصل روی صندلی می‌نشیند.

ورود مدیر به شرکت در رأس ساعت و ثانیه، دال بر منظم بودن آقای مدیر است. لیز خوردن روی پوست موز نیز کلیشه‌ای است که رفتار مدیر پس از آن می‌تواند بسیاری از ویژگی‌های این مدیر بازنمایی شده را ترسیم نماید. پس از بلند شدن مدیر از روی زمین، هیچ نشانه‌ای از تأثیر این اتفاق در رفتار و گفتار او مشاهده نمی‌شود. که این گویایی توانایی کنترل غضب، سعه صدر، مدیریت خوب اتفاقات غیرمنتظره، توانایی تصمیم‌گیری در لحظه و داشتن وجهت اجتماعی است. نظام تشویق و تنبیهی که در شرکت این مدیر اجرا می‌شود نیز در این صحنه بازنمایی شده است. وی در مواجهه با خطای منشی هیچ نشانه زبانی دال بر نارضایتی به کار نمی‌گیرد، بلکه تأثیر این عمل خلاف قانون، در حقوق دریافتی منشی اعمال می‌شود. با این شیوه هم دیوار احترام بین مدیر و زیردست متزلزل نمی‌شود و هم غفلتی از این خطا صورت نگرفته است.

دال دیگری که در این صحنه گنجانده شده اهمیت قائل شدن مدیر برای مشکلات منشی‌اش است. هنگامی که منشی از مشکلات خانوادگی می‌گوید، مدیر با او همراهی کرده و اطلاعاتی ظریف درباره وضعیت خانوادگی از وی می‌گیرد. بدون این که عکس‌العمل آشکاری نشان دهد. قریبه مدل تنبیهی وی

می‌کنیم. گوهری: زحمت نکش احسان جان، به نظر من نکونام راست می‌گوید، هرچقدر دکتر مهندس ایرونی توی خارج زیادند، عوضش هنرمندی که ضوابط کاری‌اش با مملکت ما بخواند کم است. خودت که می‌بینی، شش ماهه داریم می‌گردیم کسی را پیدا نکردیم. برش به نمای مديوم احسان: می‌خواهید از خیرش بگذریم؟ صدای گوهری: از خیرش بگذریم؟ برش به نمای گوهری: شوخی می‌کنی؟ بین عمه جون، گوهری از روی صندلی همراه با حرکت تراکینگ دوربین بلند می‌شود و دور میز می‌چرخد و روبروی احسان می‌ایستد. اگر قرار باشد تو یکی از مدیران موفق این نظام باشی، این‌ها جزو امتیازات مدیریته، باید از موقعیت‌هایت خوب استفاده بکنی. آن هم چنین موقعیتی در مرکز جذب مغزها که مدیرش معاون رئیس‌جمهوره. برش به نمای فول دختر که پشت کامپیوتر نشسته و در حال تایپ است. صدای احسان: نگران نباشید، می‌گردیم یکی را پیدا می‌کنیم.

پن دوربین، احسان به کنار میز خانم گوهری می‌آید و می‌ایستد. احسان: سلام عمه جان. گوهری: سلام عزیزم. احسان درحالی‌که کاغذ در دستش را بالا می‌آورد: همین الان یک دورنگاری رسید. دختر حرفش را قطع می‌کند: ببخشید، ولی مثل این که ما وسط کلاس بودیم. احسان: خواهش می‌کنم، شما روسری تون باز رفته عقب، محض اطلاع. دختر: شما اگر خیلی ناراحتید مجبور نیستید نگاه کنید. گوهری با مکتی کوتاه خطاب به دختر: ببخشید عزیزم. دختر از کادر خارج می‌شود. گوهری خطاب به احسان: ببینم. برش به نمای مديوم کلوزآپ گوهری درحالی‌که کاغذ را مطالعه می‌کند. صدای احسان: نمی‌آید، خیلی تشکر کرده ولی نمی‌آید. گوهری کاغذ را روی میز گذاشته و عینک می‌زند. برش به نمای مديوم کلوز آپ از احسان، دختر در بک گراند، پشت میزی نشسته. احسان سرش را برگردانده و نیم‌نگاهی به دختر می‌کند. برش به نمای کلوزآپ گوهری. صدای احسان: اشکال نداره، یکی را پیدا

جدول ۳. سطوح نمایش مدیر و عمده‌ترین رمزهای صحنه منتخب فیلم مکس

سطوح نمایش مدیر	سطوح نخست: واقعیت	سطوح دوم: بازنمایی	سطوح سوم: ایدئولوژی
رمزگان	رمزهای اجتماعی (ظاهر، لباس، چهره‌پردازی، محیط)	رمزهای فنی (گفتگو، شیوه رفتار)	رمزهای ایدئولوژیک
الگوی فیسک	۱. مدیر مرکز که معاون رئیس‌جمهور است، ماتو و مقنعه مشکی به تن دارد، موهایش کمی بیرون است، آرایش کرده و دستبندی طلا به دستش است. ۲. تصاویر خوانندگانی همچون شجریان و بنان بر دیوار اتاق نصب شده است. ۳. رئیس دفتر خانم معاون، پیراهن یقه دیپلمات مشکی پوشیده و تهریش دارد.	۱. مدیر مرکز موسیقی در ساعت اداری، در حال آموختن ابتدایات علم موسیقی است. ۲. رئیس دفتر مدیر، از دختر به خاطر بیرون بودن مویش ایراد می‌گیرد. ۳. پاسخ دختر به تذکر رئیس دفتر این است که تو نگاه نکن. ۴. خانم مدیر، راه تبدیل شدن به یک مدیر موفق را استفاده خوب از موقعیت‌ها می‌داند.	۱. مدیری غیرمتخصص برای یک حوزه تخصصی منصوب شده است. ۲. جایگزینی خویشاوند سалاری با شایسته سалاری
دالات			
نوع رمزگان	هرمنوتیک	ضمنی	نمادین
الگوی بارت	رمزگان		
	آیا خانم مدیر موفق به دعوت از یک نخبه موسیقی ایرانی به کشور می‌شود؟ برادرزاده نشان می‌دهد خود او نیز بدون داشتن تخصص این پست دولتی را تصاحب کرده است.	۱. مدیر دولتی در حوزه موسیقی، ابتدایات علم موسیقی را هم نمی‌داند. ۲. عدم تخصص خانم مدیر و توصیه‌هایش به برادرزاده نشان می‌دهد خود او نیز بدون داشتن تخصص این پست دولتی را تصاحب کرده است.	۱. عدم آشنایی تیم مدیر متخصص / مدیر غیرمتخصص دعوت به یک پست دولتی / تلاش برای کسب یک پست دولتی حجاب / بی‌حجابی ۱. ارجاع به استفاده از مدیران در حوزه‌ای که در آن متخصص نیستند. ۲. ارجاع به مناصب مدیریت دولتی به‌عنوان یک موقعیت و انتفاع شخصی. ۳. ارجاع به خویشاوند سалاری مدیر

را در تهران به راه می‌اندازد و چند نفر را نیز در راهپیمایی‌ها می‌کشد. مأموران اطلاعات با تله گذاری چند بار به جاسوس نزدیک می‌شوند، اما هر بار کسی او را باخبر می‌کند و فراری می‌دهد. در شرایطی که مأموران اطلاعات به یکدیگر مظنون شده‌اند و فضای کاری آنها متشنج شده، سرانجام مرد جاسوس به شدت زخمی می‌شود. مأموری که عامل نفوذی بوده و جاسوس را خبر می‌کرده و فراری می‌داده، نیز دستگیر می‌شود. اما خود جاسوس با ظاهر مبدل و مدارک جعلی موفق به فرار از کشور می‌شود. فیلم با تظاهرات عده‌ای جلوی سفارت انگلیس در اعتراض به دخالت‌های انگلیس در ایران به پایان می‌رسد.

صحنه منتخب: گفتگوی کامران (مأمور اطلاعاتی) با مدیرکل حفاظت وزارت اطلاعات / محل وقوع: دفتر مدیرکل / زمان: روز

نمای کلوزآپ از دکتر اکبری (مدیرکل حفاظت وزارت اطلاعات) درحالی‌که سرش را پایین انداخته و به صحبت‌های کامران (مأمور اطلاعاتی) گوش می‌دهد. صدای کامران: آدم اطلاعاتی نباشم، سیاسی نباشه، کتاب جین شارب را خوانده باشه، (اکبری سرش را بالا می‌آورد و به کامران نگاه می‌کند) اخبار گرجستان که بیخ گوشمونه و (برش به نمای کلوزآپ کامران که با عصبانیت صحبت می‌کند) اوکراین را شنیده باشه می‌فهمد که حداقل ۳۰ مورد دستورالعمل‌های انقلاب رنگی توی این مملکت داره پیاده می‌شه. برش به نمای توشات از دکتر اکبری که پشت میز نشسته و کامران که مقابل میز ایستاده. دکتر اکبری از پشت میز با فنجان چای در دست، بلند می‌شود و با حرکت پن دوربین درحالی‌که کامران صحبت می‌کند روی مبل می‌نشیند. کامران درحالی‌که او هم فنجان چای در دست دارد و با اکبری راه می‌رود و روی مبل می‌نشیند: شما که نامه هاشمی را خواندید. نخواندید؟ این دود و آتش که می‌گویند، همه‌اش برای امتیازگیری است. خب با چندتا عملیات غائله را ختم کنید. برش به نمای مدیوم کامران در حال نشستن. کامران: چرا ما به رهبر و رئیس‌جمهور، نامه و گزارش نمی‌دهیم؟ برش به نمای مدیوم کلوز آپ دکتر اکبری درحالی‌که به فنجان چای در دست کامران اشاره می‌کند: بخور برایت خوب است، صدایت را باز می‌کند بیشتر داد بزنی. (صدای موسیقی آرام شروع می‌شود) کامران: ببخشید حاجی جون، قاطی کردم. دیگر به اینجام (دستش را روی گلو می‌گذارد) رسیده، نمی‌دانم چه کار باید بکنم. شما که رئیس حفاظت این تشکیلاتی بگو ما چه کار باید بکنیم؟ اکبری: این حرف‌هایی که تو داری می‌زنی را دو روز پیش عینش را دکتر

فیلم مکس هرچند همسویی کلی با گفتمان دولت وقت، یعنی دولت اصلاحات دارد، اما انتقاداتی ظریف را نیز دال بر ضعف‌های سیستم دولتی در خود بازنمایی کرده است. مدیر بازنمایی شده در فیلم مکس، هیچ قرابتی با حوزه تحت مسئولیتش ندارد. آموختن ابتدایات موسیقی نشانه‌ای دال بر این موضوع است که رمزگان‌های رفتاری خانم مدیر نیز بازنمایی این موضوع را تقویت کرده است. این مسئله انتصاب مدیران بدون تخصص هماهنگ با مسئولیت معضلی است که تقریباً در تمام ادوار اداره کشور شاهد آن بوده‌ایم؛ اما فیلم مکس و دوره اصلاحات، از معدود فیلم‌ها و دوره‌هایی است که سینمای ایران به آن واکنش نشان داده است. همچنین توصیه‌های خانم مدیر به برادرزاده درباره تلاش برای استفاده از موقعیت‌ها و کسب مناصب مدیریتی، نشانه‌ای است که علاوه بر نمایاندن اصول اعتقادی و فکری مدیرانی در تیپ وی، روشی را که خود او بدون آشنایی جزئی با عالم موسیقی به این جایگاه رسیده بازنمایی می‌کند.

از نقطه نظر ویژگی‌های هنجاری، مدیر بازنمایی شده در مکس هیچ نشانه‌ای دال بر انقلابی بودن و نیز مذهبی بودن ندارد. تنها نشانه مرتبط، دال‌هایی است که در برادرزاده خانم مدیر که رئیس دفترش نیز هست قرار داده شده، یعنی تهریش و ایراد گرفتن به موی بیرون از روسری دختر. که این دال‌ها نیز، ریاکاری و ظاهرسازی را بیشتر بازنمایی می‌کند تا مذهبی بودن را و باز هم مخاطب را به همان راهکار خانم مدیر یعنی «استفاده از موقعیت‌ها» رهنمون می‌سازد.

خویشاوند سالاری نیز دلالت دیگری است که انتصاب برادرزاده به سمت رئیس دفتر آن را بازنمایی می‌کند. مسئله‌ای که در بسیاری از دولت‌های جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک معضل وجود داشته و جای شایسته سالاری را گرفته است.

قلاده‌های طلا

کارگردان: ابوالقاسم طالبی / سال تولید: ۱۳۹۰ / سال اکران: ۱۳۹۱ / دولت وقت: دهم، محمود احمدی‌نژاد

چکیده داستان فیلم: ایام انتخابات سال ۸۸ است. با اعلام نتایج، اعتراض‌های عده‌ای از مردم شکل تظاهرات به خود می‌گیرد و مأموران وزارت اطلاعات پیگیر حوادث هستند. جاسوسی که در خارج از کشور آموزش دیده، با برنامه‌ریزی سرویس‌های جاسوسی چند کشور غربی با ورود به کشور، هدایت نمایندگان سلطنت‌طلب‌ها، منافقین و سایر گروه‌های معاند را بر عهده می‌گیرد تا پروژه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را اجرا نمایند. وی به همراه تیمش آشوب‌هایی

نخست‌وزیر. بعد هم فراری‌اش دادند. (برش به نمای اکبری) این اولین نفوذی نبود، آخری‌اش هم نبود. یک جاسوس مهم از تورمان فرار کرده. اکبری: فعلاً در اختیار کارگزینی باش. برش به نمای کلوزآپ کامران که از این حرف بهتش زده. کامران: یعنی چی؟ تا اطلاع ثانوی منفصل؟ برش به نمای کلوزآپ اکبری. اکبری با اشاره به فنجان: بخور سرد می‌شه.

توی همین اتاق گفت. اما قصه شکستن گردن رضایی (برش به نمای کلوزآپ کامران) و فرار جاسوس، جوابش این نیست. (برش به نمای اورشولدر کلوز آپ اکبری با گوشه صورت کامران در کادر) دبیر شورای امنیت کشور، کشمیری، یادته که؟ (برش به نمای کلوزآپ کامران که به علامت تأیید، سر تکان می‌دهد) بمب را گذاشت زیر پای رئیس‌جمهور و

جدول ۴. سطوح نمایش مدیر و عمده‌ترین رمزهای صحنه منتخب فیلم قلاب‌های طلا

سطوح نمایش مدیر	سطوح نخست: واقعیت	سطوح دوم: بازنمایی	سطح سوم: ایدئولوژی
رمزگان	رمزهای اجتماعی	رمزهای فنی	رمزهای ایدئولوژیک
الگوی فیسک	(ظاهر، لباس، چهره‌پردازی، محیط و ...)	(گفتگو، شیوه رفتار، موسیقی، دوربین)	
دالت	۱. دکتر اکبری که در اصل روحانی است، کت‌وشلوار به تن دارد و ریش دارد. ۲. کامران، مأمور اطلاعاتی، ریش ندارد، پیراهن با دکمه‌های باز را روی شلوار انداخته و آستین‌هایش را تا زده است. ۳. فنجان چای در دست اکبری و کامران ۴. میلمان اداری متناسب با دفاتر مدیران کنونی	۱. درحالی‌که کامران با عصبانیت و پرخاش حرف می‌زند، مدیر با آرامش گوش می‌دهد. ۲. دعوت کامران به نوشیدن چای در دو جا بکار رفته و هردو باعث آرام شدن وی شده است. ۳. موسیقی در زیر صدای بازیگران، به حفظ ریتم فیلم و انسجام صحنه‌ها کمک کرده و در نقاط اوج صحنه (مثل اعلام انفصال کامران)، به افزایش تأثیر کمک کرده است. ۴. مدیر قبل از اعلام انفصال کامران، با ذکر خاطره کشمیری، درواقع در حال توجیه اوست. ۵. اکبری (مدیر) با اعلام اینکه دکتر هم همین حرف‌ها را می‌زد، به کامران می‌فهماند که نمی‌تواند به او اعتماد کند.	۱. سعه‌صدر مدیر ۲. توجیه زیردست توسط مدیر و اقناع او ۳. اقتضانات مدیر حفاظتی و اطلاعاتی نظیر عدم اعتماد به هیچ‌کس و ...
الگوی بارت	هرمنوتیک	نمادین	کنشی
نوع رمزگان	آقای مدیرکل، چه واکنشی به پرخاش زیردست نشان خواهد داد؟	عبارت «دکتر هم دو روز پیش همین حرف‌ها را می‌زد» با قرینه جاسوس بودن دکتر، که در انتهای فیلم مشخص می‌شود، اشاره ظریفی است توسط آقای مدیر مینی بر این‌که تو (کامران) هم ممکن است جاسوس باشی.	۱. مدیر، ضمن آرام کردن کامران، او را منفصل از خدمت می‌کند. ۲. ارجاع به رعایت ضوابط توسط مدیر (انفصال کارمند خاطی) ۳. ارجاع به عدالت محوری در مدیر ۴. ارجاع به ویژگی‌های خاص مدیر اطلاعاتی

۱- مدیران بازنمایی شده در این چهار فیلم با وجود این که همگی جزو شخصیت‌های مثبت داستان هستند، اما از حیث بالندگی و داشتن ویژگی‌های یک مدیر کامل، دودسته‌اند. **گروه اول**، مدیرانی هستند که همچنان که جایگاه یک شخصیت مثبت را دارند، از حیث توانایی مدیریت نیز، نشانه‌های دال بر مدیر بالنده را باز نمایانده‌اند. این گروه از مدیران در سه فیلم متعلق به دولت‌های جنگ تحمیلی، دولت سازندگی و دولت عدالت‌طلبی حضور دارند.

گروه دوم، مدیرانی هستند که از حیث توانایی مدیریت، ضعف‌هایی دارند و نشانه‌های دال بر مدیر غیر بالنده را باز نمایانده‌اند. این گروه از مدیران را در فیلم مکس، متعلق به دوره دولت دوم خرداد می‌توان مشاهده کرد.

این نتیجه نشان می‌دهد نگاه انتقادی به وضعیت جامعه و حکومت بیش از تمام ادوار، در فیلم‌های ساخته شده در زمان روی کار بودن اصلاح‌طلبان بازنمایی شده است.

۲- در سطح سوم نمایش مدیران - رمزگان‌های ایدئولوژیک - و نیز در سطح رمزگان ارجاعی در الگوی بارت، طیف متنوعی از دلالت‌ها در مدیران بازنمایی شده قابل مشاهده است. برای تحلیل نتایج به‌دست آمده در این سطح، نگاه به شرایط وقت جامعه و گفتمان حاکم بر کشور ضروری می‌نماید. **الف)** مدیر بازنمایی شده در فیلم دولت دفاع مقدس، از حیث ایدئولوژیک، تحت تأثیر شرایط جنگی حاکم بر کشور است.

ب) مدیر بازنمایی شده در فیلم ساخته شده در دولت سازندگی، دلالت‌های در حوزه رفتار سازمانی و تعامل با کارمندان را بیش از دیگر موارد پوشش داده است. به نظر می‌رسد سینما در دوره مذکور، بیش از دیگر دوره‌ها اجتماعی است و از قید سیاست آزاد است. جدایی سینمای دولت سازندگی از سیاست، در کنار معایبی که برای آن قابل تصور است، برکاتی نیز داشته که توجه بیشتر به مسائل تربیتی از آن جمله است. انعکاس بیشتر مسائل مربوط به رفتار سازمانی در مدیران بازنمایی شده در این دوره نیز در همین راستا قابل ریشه‌یابی است.

ج) در فیلم‌های ساخته شده در دولت دوم خرداد، بیش از دیگر دوره‌ها مدیران دولتی و حکومتی قابل مشاهده‌اند و مدیر یک سازمان خصوصی، کمتر از سایر دوره‌ها در این دوره بازنمایی شده است. در فیلم بررسی شده در دوره مذکور - مکس - از حیث رمزگان‌های ایدئولوژیک، مدیران بیش از هر چیز براساس دال‌های مربوط به ساختار سازمانی و اداری بازنمایی شده‌اند. به نظر می‌رسد سینمای دوره دوم خرداد، به

در میان آثار هنری تولید شده درباره فتنه سال ۱۳۸۸، فیلم قلاده‌های طلا، شاخص‌ترین اثری است که حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۸۸ را بدون جانب‌داری برجسته از احزاب و گروه‌های داخلی و با محوریت دخالت بیگانگان در این حوادث، روایت نمود.

دکتر اکبری، مدیر حاضر در صحنه منتخب فیلم، علاوه بر این که یک روحانی است و نشانه‌های دال بر مذهبی بودن را باید در خود داشته باشد یک مدیر امنیتی است و نشانه‌های دال بر اقتضایات خاص مدیران این حوزه نیز باید در وی بازنمایی شده باشد. شایسته ذکر است، سازنده قلاده‌های طلا، فیلم را همسو با گفتمان انقلاب ساخته است، لذا می‌توان دنبال ویژگی‌های هنجاری و هماهنگ با کلیشه روحانی و مدیر اطلاعاتی در اثر او گشت؛ اما در صورتی که فیلمی با نگاه انتقادی ساخته شده باشد و یا فیلمساز، همسو با گفتمان انقلاب نباشد باید مواظب کژتابی‌های کلیشه‌ها با واقعیت حاکم بود.

بارزترین ویژگی مدیر بازنمایی شده در این صحنه، «سعه صدر» اوست، که دال‌هایی چون سکوت، پایین انداختن سر، نوشیدن چای، دعوت به نوشیدن چای، ذکر مقدمه و توجه زبردست برای انفعال وی و ... همگی دلالت بر آن دارند. در عین حال او مدیری ضابطه‌مند است، و طبق قواعد حاکم در دستگاه تحت مدیریتش، کارمند خاطی، منفصل می‌شود. همچنین طبق توضیحات بالا و نیز براساس صحبت‌های آقای مدیر، وی روحیه انقلابی دارد (ذکر خاطرات کشمیری) و نیز انسانی معتقد و مذهبی است.

پارادوکس‌های میان رعایت کامل دستورات اسلامی توسط یک روحانی نظیر عدم گمان بد به افراد، اصالت دادن به صحت گفته‌های فرد با عملکرد این مدیر در عدم اعتماد به گفته‌های کامران را نیز باید با مستثنی دانستن امور اطلاعاتی در قواعد اسلامی حل نمود، که البته بحث درباره آن مجال دیگری می‌طلبد.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله در پی فهم این مسئله بود که آیا جایجایی دولت‌ها در ایران تأثیری بر بازنمایی مدیران در فیلم‌های سینمایی داشته است؟ و در صورت وجود این تأثیر، تفاوت‌های مدیران بازنمایی شده در ادوار مختلف مدیریت کشور با یکدیگر چیست؟ با نگاه همزمان به سطوح مختلف نمایش مدیران در چهار فیلم برگزیده این پژوهش، نتایج زیر به دست می‌آید:

پژوهش حاضر هرچند این مسئله را رد نمی‌کند و تحولات گفتمانی دولت‌ها را نیز یکی از شئون تحولات اجتماعی می‌داند؛ اما پس از تجمیع یافته‌ها و بررسی‌ها به این نتیجه می‌رسد که اگر تفاوت جهت‌گیری‌ها در بازنمایی مدیران در فیلم‌های سینمایی، امری واضح است و نیز می‌توان نسبتی میان ویژگی‌های گفتمانی دولت‌ها و نوع بازنمایی مدیران در آثار سینمایی ساخته شده در دوره آن دولت یافت می‌توان نتیجه گرفت با نگاهی ریزبینانه‌تر و با کوچک‌ترکردن دایره زمینه‌های بروز این تفاوت‌ها، «گفتمان دولتی حاکم بر کشور» را نیز می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل مهم بروز این تفاوت‌ها در آثار سینمایی معرفی نمود.

البته بررسی کلان‌تر تاریخ سینمای جمهوری اسلامی ایران - که این مقاله به آن نپرداخته - نشان می‌دهد که شدت این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده و همچنین بی‌تفاوتی درشت‌نمایی شده فیلم‌سازان به حاکمیت در برخی دوره‌ها را نیز اتفاقاً می‌توان پاسخی به گفتمان حاکم بر کشور و همسو با نتیجه این مقاله دانست. به‌عبارت‌دیگر، در دوره‌های مذکور هرچند فیلم‌سازان به‌زعم خود، راه بی‌تفاوتی به دولت مستقر را برگزیده‌اند؛ اما در واقع در حال بروز پاسخ طبیعی به شرایط حاکم هستند؛ مسئله‌ای که فرضیه جاری در این مقاله را تأیید می‌نماید.

دیگر دوره‌ها سینمایی سیاسی‌تر و دغدغه‌مندتر به مسائل حکومتی است.

د) مدیران بازنمایی شده در فیلم‌های دولت عدالت‌طلبی، به دیگر دوره‌ها بیشتر از درون حکومت هستند. به نظر می‌رسد در این دوره بیش از دیگر دوره‌ها زاویه روایت راویان چرخیده و مدیرانی را بازنمایی کرده که بیشتر می‌توان به آنها صفت همسویی با نظام را داد.

نتایج به‌دست آمده از نشانه‌شناسی چهار فیلم، علاوه‌بر این که برخی از وجوه تفاوت نگاه و دغدغه‌های فیلم‌سازان در دوره‌های مختلف گفتمان حاکم بر مدیریت کشور را منعکس می‌کند، حاوی پاسخ سؤال اصلی این مقاله است. بر این اساس می‌توان نتیجه کلی این بررسی را این‌گونه بیان نمود که سینمای جمهوری اسلامی ایران متأثر از گفتمان دولت مستقر در رأس اداره امور کشور بوده و فیلم‌های سینمایی ساخته شده در هر دوره‌ای، دغدغه‌ها، معضلات و چالش‌هایی را منعکس و برجسته می‌کنند که در همان دوره در کشور مطرح است. همان‌گونه که در بخش‌های قبلی این مقاله گفته شد، اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون در حوزه ریشه‌یابی زمینه‌های تحولات سینمای ایران انجام شده، به این نتیجه رسیده‌اند که این فرازوفرودها و تغییر مسیرها در فیلم‌های سینمایی، تبعات طبیعی «تحولات درونی اجتماعی» هستند. در واقع در اغلب این پژوهش‌ها، تحولات سینمایی، از پشت عینک جامعه‌شناسی تحلیل و تفسیر شده‌اند.

منابع

دانایی‌فرد، حسن و مظفری، زینب (۱۳۸۷). «ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت. سال اول، شماره اول، ۱۶۲-۱۳۱.

دفت، ریچارد ال (۱۳۷۹). *تئوری و طراحی سازمان*. ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

راودراد، اعظم (۱۳۸۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: نشر علم.

ظریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸). *کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران، ۱۱۳۷-۱۳۵۷*. تهران: آزادی‌اندیشه.

عبداللهیان، حمید و منفرد، لیلا (۱۳۸۷). «روش‌شناسی و تحلیل ایدئولوژی در متون ارتباطی». *فصلنامه نامه صادق*.

استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ‌عامه*. ترجمه ثریا پاک‌نظر. تهران: گام نو.

استوری، جان (۱۳۸۶). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ‌عامه*. ترجمه حسین پاینده. تهران: نشر آگه.

بارت، رولان (۱۳۸۴). *بارت و سینما*. ترجمه مازیار اسلامی. تهران: گام نو.

بودریار، ژان (۱۳۸۹). *جامعه مصرفی*. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: نشر ثالث.

بیچرانلو، عبدالله (۱۳۸۸). «تصویرسازی و کلیشه‌سازی هالیوود از مسلمانان». *فصلنامه رسانه، سال بیستم، شماره پیاپی ۱۷۹-۳۲*.

تامپسون، جان (۱۳۷۸). *ایدئولوژی و فرهنگ مدرن*. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده‌پویان.

حبیبی، محمد (۱۳۷۹). *خصایص مدیران فرهنگی*. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی بیان.

- جلد ۱۵، شماره ۱، ۸۷-۱۱۶.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.
- علی‌آبادی، گیتا. (۱۳۸۸). «انقلاب اسلامی و گفتمان‌های انتخاباتی در ایران». *فصلنامه رسانه*، شماره ۷۷، ۱۱۹-۱۴۹.
- غضنفری، عزیز (۱۳۸۸). «انتخابات و رقابت گفتمان. روزنامه کیهان». ۱۷ خرداد، شماره ۱۲، ۱۹۳-۷۹.
- فیسک، جان (۱۳۸۸). *درآمدی بر مطالعات ارتباطاتی*. ترجمه مهدی غبرایی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- فیلیس، ویلیام اچ (۱۳۸۸). *پیش‌درآمدی بر فیلم*. ترجمه فتاح محمدی، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- کوارد، روزالیند، و ایس، جان (۱۳۸۰). *اس/زد در ساخت-گرایی، بسااست‌گرایی و مطالعات ادبی*. ترجمه فرزانه سجودی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- reliability and Validity in a qalitative research". *Harvard Educational Review*. 62 (3), 279-300.
- Popay, J., Rogers, A., & Williams, G. (1998). "Rationale and standards for the systematic Review of qualitative literature in health services research". *Qualitative Heaelh Research*. 8, 341-351.
- Stevenson, N. (1995). *Understanding Media Cultures: Social Theory and Mass Communication*. Sage Publications Ltd. London. UK.
- مهدوی، عبدالمحمد. (۱۳۷۸). «مکانیزم‌ها و الگوهای تغییر و تحول و مدیریت فرهنگ‌سازمانی». *فصلنامه مصباح*، شماره ۳۱، ۱۶۷-۱۸۷.
- مهدیزاده، سید محمد (۱۳۸۳). *بازنمایی ایران در مطبوعات غرب: تحلیل انتقادی گفتمان «نیویورک‌تایمز»*، «گاردین»، «لوموند» و «دی ولت» ۲۰۰۰-۱۹۹۷م. رساله دکتري علوم ارتباطات. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- مهدیزاده، سید محمد (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- هال، استوارت (۱۳۸۷). *گزیده‌هایی از عمل بازنمایی*. ترجمه احسان شاقاسمی، زیر نظر سعیدرضا عاملی. مجموعه نظریه‌های ارتباطات، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- Barthes, R. (1974). *S/Z*. London: Fontana.
- Fisk, J. (۱۹۹۰). *Introduction to Communication Studies*. New York: Rutledge.
- Guba, E.G. & Lincoln, Y.S. (1989). *Forth generation evaluation*. Newbury park. CA: sage.
- Hawkes, T. (2003). *Structuralism and Semiotics*. New York: Rutledge.
- Kenney, K. (2005). *representation theory. From Handbook of Visual communication: Theory, Method and Media*. LEA.
- Maxwell, J. A. (1992). "Understanding